

زنان در خانواده

نیم نگاه‌های به خشونت با

● شوهرم به همه چیز و همه کس مشکوک است در یک اداره دولتی کار می‌کرد خودش را با خرید کرد و نزدیک خانه مغازه گرفت تا به قول خودش سر از کارم در بیاورد.



بارها سرم شکسته و بخیه خورده است. وقتی خیلی عصبانی است از خانه بیرونم می‌کند و من ساعتها سرگردان در کوچه و خیابان یاخانه اقوام، به دور از فرزندانم آواره می‌شوم و نمی‌دانم چه کنم. چند وقت پیش بالش را روی دهانم گذاشت و آنقدر فشار داد که چیزی نمانده بود خفه شوم؛ با کمک برادر شوهرم از دستش نجات پیدا کردم. یکبار آنقدر کتکم زد که یک ماه در بیمارستان بستری شدم و با وساطت فامیل و از ترس جانم از او شکایت نکردم. اما ادامه این وضعیت هر لحظه من و فرزندانم را با خطر مرگ و آسیب جانی بیشتری روبه رو می‌کند. آنجایی که در خانه برای خود و فرزندانم احساس امنیت نمی‌کنم، نسبت به خواسته مذکور درخواست صدور حکم را دارم.

خود زنان مقصرند!

- کتکم زد، آنقدر زیاد که حس کردم نفسم بالا نمی‌آید ...
- چرا؟

- با مادرش حرفم شد. به خانه که آمد و فهمید، موهایم را کشید و سرم را به شدت به در و دیوار اتاق کوبید و گفت: «حق نداری روی حرف مادرم، حرفی بزنی». نه فقط مادرش که تمام اعضای خانواده‌اش در زندگیمان دخالت می‌کنند. بدون اجازه آنها حق ندارم جایی بروم، چیزی بخرم یا حتی حرفی بزنم. یک شب پیش مادرش بودیم. شوهرم سیگار می‌کشید و دود سیگارش را توی حلقم می‌داد. می‌دانست تخکی نفس دارم فقط با چادرم جلوی دهانم را گرفتم. مادرش از این کار ناراحت شد و گفت: «یعنی زن هم اینقدر بی‌پروا می‌شود؟!» گفت و گفت که او هم به جانم افتاد. این فقط یک بهانه‌اش است. هر شب که به خانه می‌آید تا یک دل سیر کتکم نزند، آرام نمی‌شود ...

- چه کاره است؟
- کارگر کوره پز خانه.
- چند تا بچه داری؟
- دو تا دختر و یک پسر.

آیا منظور از تأمین امنیت برای زنان چیزی جز برقراری صلح و آرامش در خانواده و احترام به حقوق طبیعی و انسانی آنان است؟
در خانواده‌های ما چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که خشونت علیه زنان از رفتارهای رایج میان خانواده‌ها و تبدیل به ناهنجاری اجتماعی شده است. به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان آن را تنها به عنوان عامی و فکری تلقی کرد.

بسیاری از مردان با آموزشهایی که در خانواده‌ها می‌بینند و بر اساس الگوهای سنتی که مرد را اتمسانی قوی، زورگو، پرخاشگر و بی‌احساس معرفی می‌کنند، می‌پندارند که اعمال خشونت نسبت به زن جزئی از حقوق طبیعی و بدیهی آنهاست و عجیب و ناسف آور این که در تربیت و پرورش تعداد بی‌شماری از این مردان و آقایان این طرز تفکر، خود زنان در نقش مادر بیشترین سهم را دارند.

خواهان: حوریه، س
خوانده: جمشید، ف
خواستار: طلاق
شرح دادخواست:

ریاست محترم دادگاه

با وجود این که هشت سال از زندگی مشترک من و شوهرم می‌گذرد و چهار فرزند داریم. اما او هر بار به بهانه‌ای از شدت بیکاری و فشار مالی من و بچه‌هایم را به باد فحش و کتک می‌گیرد. هر چه به دستش می‌آید به طرفم پرتاب می‌کند؛

- وقتی تو را می‌زند بچه‌ها هم می‌بینند؟
- بله، دخترها گریه می‌کنند و پسرهم به من می‌چسبند، یکبار چنان او را با لگد زد که گوشه چشمش پاره شد و چهار تا بخیه خورد.
- وقتی کتک می‌زند، تو چکار می‌کنی؟
- هیچ کاری از دستم بر نمی‌آید. می‌خواهم از دستش فرار کنم ولی نمی‌توانم و بیشتر کتک می‌خورم ...



در شرایطی که زنان از احقاق ساده‌ترین حقوق طبیعی و انسانی خویش در گستره فعالیت‌های اجتماعی ناتوانند در خانواده‌ها نیز موقعیت هزاران زن ایرانی با سوجدویی مردان از ابزار قدرت و اعمال خشونت متزلزل و در معرض خطر است. اما اخبار خشونت‌ها، تهدیدات روانی علیه زنان، و آسیب‌های بدنی وارده به آنها تنها بخش اندکی از آمار و اطلاعات رسمی مراکز خبری و روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. زیرا در بیشتر موارد، رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌بار علیه زنان به عنوان مسائل داخلی زندگی خصوصی تلقی می‌شود و بدین ترتیب نه می‌توان به بیان موارد مشخص و آمار دقیق این قبیل رفتارها اشاره کرد و نه

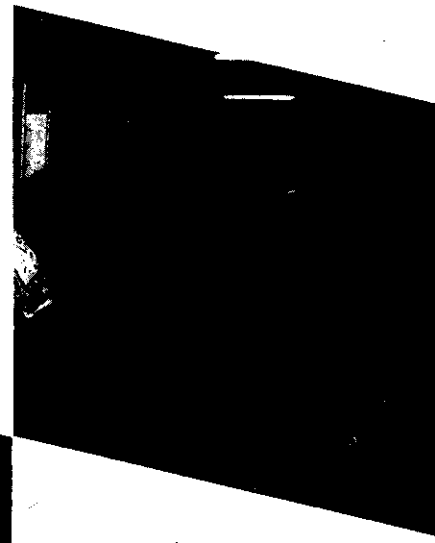
می‌شود به دلیل نبودن آمار و ارقام، چشم از شواهد برگرفت و قضیه را منتفی دانست.

○ ○ ○

خشونت علیه زنان

محمود رحمانی، حقوقدان و وکیل دادگستری در این باره می‌گوید:

- خشونت علیه زنان به هر گونه آزار مبتنی بر جنسیت که به اندام جسمی، جنسی، روانی و یا به محروم شدن زن از آزادی، چه در زندگی عمومی و چه در زندگی خصوصی بینجامد، گفته می‌شود. مورد ضرب و جرح قرار دادن زن، سوء استفاده جنسی از وی در خانواده مانند اجبار او به عمل جنسی از سوی شوهر، خشونت و پرخاشگری و نیز سوء استفاده جنسی و ارباب زن در محیط‌های کاری، آموزشی و ... داد و ستد زنان و اجبار آنها به فحشاء از جمله شیوه‌های دیگر اعمال خشونت علیه زنان در جامعه به شمار می‌رود. همچنین



در سطح بین‌المللی، زنان درگیر و دار منازعات مسلحانه منطقه‌ای از خانه و کاشانه خود رانده شده و به نقاط دیگر مهاجرت می‌کنند، سرنوشت و زندگی چنین زنانی دستخوش حوادث و اتفاقات ناگوار دیگری می‌شود.

۲۱ سال داشت، پیراهنش را با حجب پس زد، پوست بدنش کبود و خون مرده بود گفت:

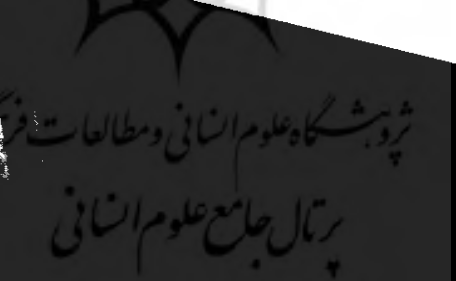
- یک اتاق کوچک ۱۲ متری داریم و یک زیرپله که آشپزخانه‌اش کرده‌ام، شوهرم عیاش و خوشگذران است. هر شب با دوستانش در همین یک اتاق بساط راه می‌اندازند و من جرأت نمی‌کنم چیزی بگویم. فقط همین یک بار گفتم: «جایمان تنگ است، خوبیت نداره، اینقدر دوستانه باه‌ها می‌آوری؟» هنوز حرفم تمام نشده بود که کمر بندش را درآورد و آنقدر

کتکم زد که به این روز افتادم. از ترس آپروریزی صدایم درنیامد. مادرم خیر دارد اما او هم می‌گوید: «جوان است، خامی می‌کند، تو صبر کن ...»

○ ○ ○

زنانی که از شوهران خود کتک می‌خورند، فحش و ناسزا می‌شنوند و ... به دلایلی مانند شرم و آزر، ترس از انتقام گرفتن یا شدید شدن رفتار خشونت‌بار شوهر، یا ناآکامی و گناهکار دانستن خویش از بیان این قبیل امور به دیگران یا شکایت و پیگیری قانونی پرهیز می‌کنند. شماری از این زنان، اعمال خشونت بار و رفتارهای پرخاشگرانه شوهر را جزئی از رابطه عادی زندگی زناشویی‌شان می‌پندارند و بر اساس این باور برای محدود و محکوم کردن اعمال همسر خود اقدامی نمی‌کنند. برخی از آنها از مادران خود شنیده‌اند که آنها نیز از دست شوهرانشان کتک خورده‌اند! اما آیا این دور

● شوهرم دود سیگار را توی حلقم می‌داد، می‌دانست تنگی نفس دارم، با چادر که جلوی دهانم را گرفتم، مادرش از این کار بدش آمد و به تحریک او شوهرم به جانم افتاد و کتکم زد.



باطل همچنان باید ادامه یابد؟! روابط اجتماعی از ارتباط روحی و عاطفی میان انسانها ساخته می‌شود. رفتار مطلوب و پسندیده مجموعه‌ای از صفات درونی و بیرونی را در برمی‌گیرد که زن و شوهر مکلف به پیروی از آن هستند. تعادل در زندگی مشترک هنگامی

درست برخورد با مشکلات عاجز و درمانده می‌شود. تحت تاثیر امیال نفسانی به خشونت و زور پناه می‌برد و حل و فصل مشکلات زندگی مشترک را در اعمال قدرت و خشونت نسبت به طرف مقابل جستجو می‌کند. از نواحیهای تحمیلی، عدم رعایت فاصله سنی و طبقاتی، فقر مالی و مشکلات اقتصادی می‌تواند از عوامل دیگر بروز اختلاف و یا اعمال خشونت بر خانولهما باشد. ○ ○ ○

به وجود می‌آید که روابط دو سویه میان زن و شوهر، بر پایه‌های عاطفی، عقلایی و اخلاقی استوار باشد.

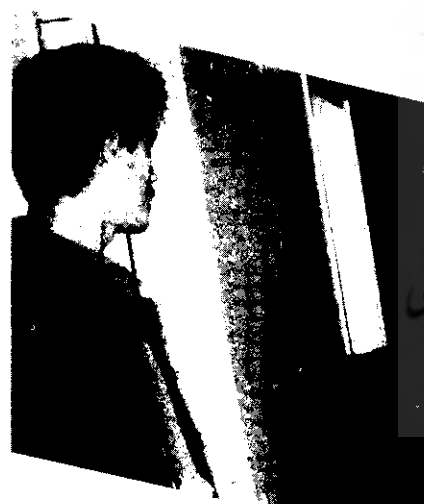
اما چرا زنان از سوی شوهرانشان مورد خشونت، بی‌مهری و آسیبهای بدنی و روانی قرار می‌گیرند؟

نسرین نیکناش حقوقدان و وکیل دادگستری معتقد است: روابط در خانواده‌ای که بر اساس دوستی و مودت میان زن و شوهر بنا شده است، جایی برای ظهور خشونت به جای نمی‌گذارد.

محمود رحمانی نیز به انگیزه و هدف از ازدواج اشاره کرده و می‌گوید:

- هدف ازدواج و تشکیل خانواده، پاسخ به ندای غریزه و فطرت، ایجاد کانون آرامش، داشتن فرزند، حفظ عفت، دوستی و عشق به اجرای سنت دینی، سلامت جسم و روان و کمک به تکامل و رشد یکدیگر است. زندگی مجردی همراه با تنش و خشم است اما ازدواج و زندگی خانوادگی هنگامی که زن و مرد دو فرهنگ و

شخصیت متفاوت داشته باشند، بیش از هر موقعیت دیگری خشم می‌آفریند. اما این خشم تا زمانی که به پرخاشگری، خشونت و آزار و اذیت فیزیکی و روانی نینجامیده، قابل کنترل است. وقتی فرد در دستیابی به شیوه‌های



درست برخورد با مشکلات عاجز و درمانده می‌شود. تحت تاثیر امیال نفسانی به خشونت و زور پناه می‌برد و حل و فصل مشکلات زندگی مشترک را در اعمال قدرت و خشونت نسبت به طرف مقابل جستجو می‌کند. از نواحیهای تحمیلی، عدم رعایت فاصله سنی و طبقاتی، فقر مالی و مشکلات اقتصادی می‌تواند از عوامل دیگر بروز اختلاف و یا اعمال خشونت بر خانولهما باشد. ○ ○ ○

خشونت علیه زنان اختصاص به قشر یا طبقه خاصی ندارد. زنان از طبقات مرفه و تحصیلکرده، زنان طبقات محروم و بی‌سواد یا کم‌سواد همه قربانی خشونت‌های خانوادگی‌اند. این زنان می‌پرسند: آیا هیچ قانون و مرجعی برای دفاع از حقوق پایمال شده‌شان وجود ندارد؟

○ ○ ○

- گول ظاهرش را خوردم! فکر کردم تحصیلکرده و باسواد است. فهم و شعور بالایی دارد. ولی در مدت هفت ماه که عقد کرده بودیم، خودش را نشان داد.

- طلاق گرفته‌ای؟

- هنوز نه، او خودش دادخواست طلاق را به دادگاه داده تاریخ دادگاهمان یک هفته دیگر است. - چکاره است؟

- مهندس راه و ساختمان

- خودت چقدر درس خوانده‌ای؟

- خودم لیسانس تاریخ دارم. کار هم می‌کردم ولی به محض این که با هم نامزد شدیم گفت: «دیگر نمی‌خواهم کار کنی.» به خواسته‌اش احترام گذاشتم و سرکار نرفتم. اما به تدریج خواسته‌ها و توقعات بیجایش زیاد شد. حرف‌ها و نیش و کنایه‌هایش از هر کتک و آزار و اذیتی بدتر بود. عینک می‌زدم مسخره‌ام می‌کرد. جهیزیه‌ام را که دید گفت: «چرا وسایلی ایرانی است باید همه چیز آن خارجی باشد.» مادرش به کارمان دخالت می‌کرد. می‌گفت: «وضع مالی پدرت خوب است، چرا به تو خانه و ماشین نمی‌دهد؟» خودش و مادرش مرتب از ظاهر و چهره‌ام ایراد می‌گرفتند «قیافه‌ات فلان و بهمان است.» «بینی‌ات بدقواره است، لب‌هایت بدشکل است» خلاصه هر عیب و ایرادی که می‌توانستند روی من و خانواده‌ام می‌گذاشتند. از تحقیرهایش خسته شده بودم. جلوی دیگران و در جمع احترامم را نگه نمی‌داشت. تا در جمعی حرفی می‌زدم، فوراً مرا به کنار می‌کشاند و می‌گفت: «حق نداری بدون اجازه من اظهار نظر کنی و حرفی بزنی.» خلاصه با این رفتارهایش زندگی را به کام تلخ کرده بود، هنوز که هنوزه روحیه‌ام از آزارهایش خوب نشده است ...

- مگر از اول تو را با همین ظاهر و چهره ندیده بود؟

- چرا ولی همه بهانه‌هایش را بعد از عقد شروع کرد.

- مهریه‌ات چقدر است؟

- یک جلد کلام... مجید و یک شاخه نبات در جلسه آشناییمان آنقدر خوب حرف زد و

خودش را آدم فهیمیده‌ای نشان داد که من نخواستم با مهریه زیاد و مخارج عقد و عروسی آنچنانی در تنگنا و فشار قرارش بدهم ولی هر چه من ملاحظه کردم او وقیح‌تر شد ...

○ ○ ○

با وجود این که رفتارهای خشن و پرخاشگرانه، علیه زنان در محیط‌های خانوادگی کم و اندک نیست. اما در راهروهای دادگستری کمتر زنی را می‌توان یافت که تنها به دلیل خشونت و پرخاشگری شوهر اقدام به شکایت کرده باشد. این زنان تنها زمانی که شوهر پارانفراتر نهاده و تهدید جانی و مالی زن را به نهایت رسانده، اسیر اعتیاد شده و یا در دام کلاهبرداری، زدی، قاچاق و دیگر رفتارهای ناشایست اجتماعی گرفتار آمده است، برای تأمین حقوق خود و فرزندان‌شان به دادگاه مراجعه می‌کنند.

○ ○ ○

خواهان: ملیحه، ع

خوانده: فتاح، م

خواسته: طلاق

ریاست محترم دادگاه

نظر به این که آقای فتاح (شوهرم) به مدت شش سال است معتاد شده و تمام درآمد، اثاثیه و پس اندازمان را صرف اعتیاد خود کرده و تمام تلاش‌های اینجانب برای رفع اعتیاد او بی‌نتیجه بوده است. چند بار نیز توسط برادران نیروی انتظامی دستگیر و روانه زندان و مراکز بازپروری شده، اما تاکنون نه تنها دست از اعتیادش برنداشته بلکه من و فرزندانم را وادار می‌کند از او و دوستان معتادش در خانه پذیرایی کنیم. در تمام این مدت از دادن نفقه به من و فرزندانم خودداری کرده است و من با یک چرخ خیاطی کهنه - مخارج زندگیمان را تأمین کرده‌ام. ولی او بارها با تهدید و زور حاصل و دسترنج زحمتم را گرفته و آن را صرف خریدن مواد مخدر کرده است. همیشه کتک می‌زند و با کلمات زشت و رکیک در حضور بچه‌ها صدایم می‌کند... از آنجایی که دیگر امیدی به بهبودی و اصلاح رفتار وی ندارم، نسبت به خواسته مذکور درخواست صدور حکم را دارم.

○ ○ ○

محمود رحمانی، حقوقدان از دیگر عوامل خشونت نسبت به زنان در خانواده‌ها، گرایش به مردسالاری مطلق می‌داند. ناآگاهی زنان جامعه ما از حقوق فردی و اجتماعی‌شان خود عاملی در جهت ضعف و زبونی زن در کانون خانواده و عدم باوری وی شده و موجب فقدان احساس مسئولیت مرد در برخورد با

● شوهرم عیاش و خوشگذران است. هر شب با دوستانش بساط عیاش و نوش‌راه می‌اندازد و من جرأت نمی‌کنم چیزی بگویم.

مشکلات زندگی، تقویت احساس برتری جویی و حاکمیت مطلق توأم با خشونت مردان نسبت به زنان خواهد بود. از آنجا که در زندگی مشترک زن بیشتر به دنبال رفع نیازهای مادی و مرد به دنبال ارضای نیازهای عاطفی است امکان اعمال حاکمیت و برتری جویی از سوی هر کدام از زوجین نسبت به دیگری وجود دارد و وجود این فرهنگ غلط، خشونت را در محیط زندگی مشترک رشد داده و در نهایت به عدم تعادل در زندگی و بروز خصومت و ناسازگاری منجر می‌شود...

زنانی که در راهروهای دادگستری و مجتمع‌های قضایی خسته و سرگردان‌اند. هزاران حرف برای هر گوش شنوایی دارند که حاضر به شنیدن است.

قانون چه می‌گوید؟

چشم‌پوشی از خشونت‌های خانوادگی از سوی قانون امری عادی است. حتی اگر این رفتارهای پرخاشگرانه به طور آشکار چشم آزار باشد، تحت عناوینی نظیر این‌که مرد به وظیفه خود برای تربیت کودکش عمل کرده یا زن وظیفه دارد به خواسته‌های شوهرش تن در دهد، مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرد. حتی گاهی افراد قربانی خشونت، خود مسئول رفتارهای ناشایست یا خشن مردان به شمار می‌روند و به محض اعتراض، به اطاعت و فرمانبرداری بیشتر از همسرانشان دعوت می‌شوند...

در مجتمع‌های قضایی، زنانی که برای شکایت از رفتارهای خشونت‌بار شوهرانشان و به امید یافتن راه‌حل و گشایش مشکل خود مراجعه کرده‌اند از این اتاق به اتاق دیگر سرک می‌کشند.

این زنان برای گرفتن طول درمان و معاینه به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند، تا شاید بتوانند شکایتشان را پیگیری کنند. شتابزده، بی‌پناه، و رنجور می‌روند تا شاید با گرفتن طول درمان و پیش از برطرف شدن آثار ضرب و جرح بتوانند گواهی بگیرند. معاینه انجام می‌شود و برگه طول درمان، توسط پزشکی قانونی در اختیار این زنان قرار می‌گیرد. ادامه

اجباری، محکوم به زندگی با چنین مردانی شده‌اند برای دفاع از خود چیزی در اختیار ندارند. این زنان به طور مداوم در معرض تهدید و خطر جانی از سوی شوهران بیمارشان هستند.

○ ○ ○

- برای چه اینجا آمده‌ای؟

- آمده‌ام از شوهرم شکایت کنم. بیماری روانی دارد. به همه چیز و همه کس مشکوک است. جرأت ندارم جلوی پنجره بروم یا با تلفن حرف

● موقعیت هزاران زن در خانواده‌ها، به دلیل سودجویی مردان از ابزار قدرت و اعمال خشونت علیه زنان، متزلزل و در معرض خطر است.



کار بر عهده مراجع قضایی است. گواهی گرفته شده، از دستان لوزان زنان به دستهای سخت و محکم قانون سپرده می‌شود. آیا قانون راهی به این زنان نشان خواهد داد؟ قانون افراد نیروی انتظامی را همراه زنان شاکی به دنبال شوهران خاالی می‌فرستد. اما در بیشتر موارد پس از احضار مرد به دادگاه با جملاتی نظیر این که او از من تمکین نمی‌کند. یا «بدون اجازه‌ام از خانه بیرون رفته است!» و ... همه تلاشها و زحمات زن را نابود می‌کند. در این مواقع و با وجود دلایل و شواهد و گواهی پزشکی قانونی باز هم اگر قانون تصمیم بگیرد مرد محکوم به پرداخت دیه نقص عضو - نصف دیه مرد - می‌شود. قانون تنها تا همین حد از این زنان پشتیبانی می‌کند. این زنان دوباره به خانه‌هایی بازگردانده می‌شوند که از بیم جان خود از آنها گریخته بودند! اما آیا تضمینی هست که بار دیگر زن قربانی قهر و غضب مرد نشود؟ قانون پاسخگو نیست!

خشونت شوهران بیمار و مبتلا به بیماری روانی، مشکلات دیگری را برای زنان و فرزندان آنها به وجود می‌آورد. زنانی که در اثر ازدواج

کسی فریادشان را نمی‌شنود؛ «شوهرم هر شب که به خانه می‌آید، در و پنجره‌ها را می‌بندد و با کمر بند به جانم می‌افتد.»

نسیرین نیکتاش حقوقدان می‌گوید:

- در دادگاه به زنی که از شوهرش به جرم ایراد ضرب و جرح، آزار و اذیت شکایت کرده است، گفته می‌شود: «این شوهر توست، باید با او زندگی کنی، پدر بچه‌هایت است، درست نیست که از او شکایت کرده‌ای.» به این ترتیب زن از شکایت گردن و پیگیری آن و گرفتن حق و حقوقش منصرف می‌شود حاضر می‌شود شکایتش را پس بگیرد و زندگی زیر یک سقف را با همان شرایط گذشته ادامه دهد. قانون در این مورد یعنی خشونت علیه زنان در خانواده بسیار نابجا سکوت کرده است. غیر از یک مورد ماده ۱۱۰۲ قانون که می‌گوید: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» و در ماده بعدی می‌گوید: «زوجین باید در تشییع میانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.» از مقوله خشونت سخنی نرانده است. اگر زن در زندگی زناشویی دچار مشکلی شود بنابراین قانون می‌تواند تقاضای عسر و حرج کند، که در صورت اثبات هم چون مسئله خانوادگی و خصوصی تلقی می‌شود، نمی‌توان برای او کاری انجام داد. مرد هم وقتی می‌بیند دستش باز است و مانع جدی برای ابراز خشونتش وجود ندارد، نه تنها از اعمال خشونت بار خود دست برنمی‌دارد، بلکه آن را تشدید هم می‌کند. خانمی در دادگاه به من مراجعه کرده بود و می‌گفت: «شوهرم رویم بنزین ریخت.» همین زن به جبر برگشته بود و در همان خانه با آن مرد زندگی می‌کرد. و در حالی که مرد اقدام به قتل او کرده بود ولی دادگاه به نفع زن و برای حمایت از او کاری انجام نداده بود. بنابراین قانون مجازات اسلامی حتی اگر در نظر در روابط غیر زناشویی با هم اختلاف پیدا کنند که به ضرب و جرح منجر شود، می‌توانند به قاضی شکایت کنند و دادگاه برای فرد خلافکار جریمه نقدی، دیه و شلاق تعیین می‌کند. اما در مورد مسائل خانوادگی زن بیشتر دعوت به مدارا و صبر و سازش می‌شود. مشکل دیگر اثبات ادعای زن است که این هم کار بسیار سختی است. زمان تعیین شده برای رسیدگی به پرونده‌ها طولانی است و این زمان برای رفع علایم و آثار ضرب و جراحت کافی است. خانمی در دادگاه می‌گفت: «چطور می‌شود پرونده‌های خانواده را یکسال نگه دارند، شوهرم دستم را شکسته، برای شکایت از او

بزنم. می‌گوید: «تو به من خیانت می‌کنی.» بالاخره یک روز مجت را می‌گیرم.» یک اداره دولتی کار می‌کرد. خودش را باز خرید کرد و آمد نزدیک خانه مغازه گرفت که هر وقت خواست به خانه سرکشی کند و به قول خودش سر از کارم در بیاورد. دیگر کارم به استخوانم رسیده است. وقتی می‌فهمد بی‌خودی به من شک کرده، بیشتر مرا به زیر مشت و لگد می‌گیرد. با چوبه شلنگ، کمر بند، خلاصه هر چه جلوی دستش باشد حمله می‌کند و می‌زند. چند بار شکایت کرده‌ام. اما فقط از او تعهد گرفته‌اند که اذیتم نکنند، اما تا به حال فایده‌ای نداشته است.

○ ○ ○

اگر زن بتواند ثابت کند که در عسر و حرج است، شاید رأی قاضی و دادگاه کمی به نفع او تغییر کند. اما آیا این کار همیشه امکان‌پذیر است. زنان در خانه‌هایی با درهای بسته مورد خشونت و بی‌مهری شوهران خود قرار می‌گیرند. آنها کتک می‌خورند؛ ضجه می‌زنند و ناله می‌کنند، اما

● جلوی دیگران احترام را نگه نمی‌داشت تا در جمعی حرفی می‌زد. مرا به کناری می‌کشاند و می‌گفت: «حق نداری بدون اجازه من اظهار نظر کنی...»

نوع برخوردها، بلند پروازی‌ها و جاه‌طلبی والدین هستند. از سوی دیگر پرخاشگری و خودکامی بسیاری از نوجوانان ناشی از برخوردهای نادرست والدین و ضعف مدیریت و قاطعیت در محیط خانوادگی آنها بوده است.

پیشگیری از خشونت

اما آگاهان زن از این که هیچ انسانی حق تعرض و تجاوز به حقوق و منافع انسان دیگر را ندارد و بر این اساس به هیچ مردی این اجازه داده نشده که برای تحمیل خواست و نیاز خویش و صرفاً از روی خودخواهی و هوای نفس، زنی را مورد ضرب و جرح قرار بدهد و نشان دادن قبح اعمال خشونت‌بار به خانواده‌ها به ویژه مردان، زمینه‌ای برای جلوگیری از بروز بسیاری از این رفتارها خواهد بود.

محمود رحمانی حقوق‌دان می‌گوید:

- آموزش خانواده از طریق کارشناسان خیره و آگاه باعث آشنایی زوجین با حقوق قانونی، شرعی و کاهش یافتن فرهنگ مرد سالاری و تشویق خانواده‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز با حفظ حقوق متقابل می‌شود. و نیز سبب جلوگیری از گسترش این فرهنگ نادرست، یعنی خشونت علیه زنان، در میان نسل آینده خواهد بود و در رفع این ذهنیت که قانون و شرع امتیازات کمتری برای زنان نسبت به مردان قایل شده و براساس آن زنان مستحق ظلم و ستمند، بسیار موثر و مفید است. هرچند قانون با مشخص کردن ریاست خانواده و تعیین محل اقامت خانواده توسط مرد (با موارد دیگر) خود بیانگر سلطه و حکومت مطلق مرد نسبت به زن و ایجاد حس برتری جویی در مردان است. با این حال می‌توان از طریق افزایش میزان آگاهی‌های حقوقی زنان، و با کمک کارشناسان، حقوق‌دانان و قضات به رفع موارد تبعیض آلود قوانین پرداخت. یکی از راه‌های مبارزه با سلطه‌گری و خشونت نسبت به زنان، آگاهی و بهره‌مندی آنها از همه امکانات اجتماع و ایجاد برابری با مردان است. با سواد شدن زنان از سویی موجب تقویت و بهداشت، تغذیه و آموزش در خانواده می‌شود و از سوی دیگر بر توانایی زنان برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های جامعه می‌افزاید. □

چطور دوباره برگردم همان خانه و با آن مرد زندگی کنم تا نوبت به رسیدگی پیروندهام بشود...»

- خانم نیکتاش، در هیچکدام از مواد قانونی به قضیه خشونت و پرخاشگری علیه زن اشاره نشده است؟

- خیر، در قانون مجازات اسلامی تنها به مسئله ترک اتفاق مرد اشاره شده و اگر ضرب و جرح در خانواده رخ دهد همان حکمی را دارد که پیش از این گفتم. من خودم شاهد بودم مردی همسرش را به فجیع‌ترین شکل کتک زده بود و تنها به سی ضربه شلاق محکوم شد. به همین دلیل بیشتر زنان برای شکایت از اعمال خشونت بار و پرخاشگرانه شوهرانشان به دادگاه مراجعه نمی‌کنند. مگر آنکه مرد معتاد شده، بدون اجازه از زن اول ازدواج مجدد کرده یا نفقه نداده باشد و ... زنی که شوهرش او را از خانه بیرون می‌اندازد، چطور می‌تواند این را در دادگاه ثابت کند. مرد می‌گوید: «زن خودش خانه را ترک کرده»

خانمی می‌گفت: «در چند طبقه ساختمان که همه اقوام شوهرم بودند، کسی حاضر نشد علیه او شهادت بدهد که نیمه شب مرا از خانه بیرون کرده است.»

محمود رحمانی، حقوق‌دان نیز در این مورد می‌گوید:

- برخورد با خشونت علیه زنان به علت حرمت خانواده و عدم امکان اطلاع و حضور مستمر شخص ثالث در زندگی مشترک زوجین دشوار است. تشخیص کمی و کیفی نوع اعمال خشونت‌آمیز در خانواده و اثبات و احراز آن به وجود آثار و علائم ناشی از خشونت نیاز دارد. در صورتی که بسیاری خشونت‌های مردان نسبت به زنان ناپیدا و فاقد آثار و علائم جسمانی است. اثرات ناشی از خشونت در جسم و روان زنان در طول مدت زندگی مشترک آشکار می‌شود ولی اثبات آن در کوتاه مدت غیر ممکن است. متأسفانه بعضی از قوانین ما پوششی است که مردان تحت لوای آنها و با سوء استفاده از مفاد قانونی، اعمال خشونت بار خود را تداوم می‌بخشند.

عده‌ای از مردان چنین می‌پندارند که اگر زن تمکین نکرد، مرد حق دارد او را کتک بزند؟

پیامدها و آثار خشونت

زنان آسیب‌دیده از خشونت همسران، با بی‌اعتمادی و عدم تسلط بر قوای فکری و روانی خویش و با روحیه‌ای خسته و شکننده به ناچار بار زندگی را به دوش می‌کشند، بدون آنکه امیدی به تغییر این وضعیت داشته باشند. خشونت که به قصد دگرآزایی و نشان دادن قدرت و حاکمیت، در محیط خانواده اعمال می‌شود، آثار زیانباری در ساختار شخصیت زن و فرزندان به جای می‌نهد و اعضای خانواده را به انسانهایی وابسته و فاقد قوه درک، تشخیص و تصمیم‌گیری تبدیل می‌کند. چنین انسانهایی بدون شک در برخورد با مشکلات زندگی دچار سردرگمی خواهند بود. محمود رحمانی، حقوق‌دان با تکیه بر این موارد می‌گوید:

- خشونت در درازمدت نیز می‌تواند مخرب باشد. در این شرایط فرزندان قربانیان اصلی این